

نیازمیا بود
سایه پند

۱۴

واژه‌های ایرانی در زبان انگلیسی

دره کهنه که در ساور
دعایم فریدون



دکتر محمد علی سجادی

با نگرش فریدون جنیدی

♦ واژه‌های ایرانی در زبان انگلیسی
♦ دکتر محمدعلی سجادیه
♦ چاپ نخست: ۱۳۶۴
♦ شمار: ۳۰۰۰ دفتر
♦ لیتوگرافی و چاپ ندا

♦ از انتشارات بنیاد نیشابور- تهران خیابان انقلاب روبروی دانشگاه تهران
شماره ۱۴۱ اشکوب سوم تلفن ۶۴۱۴۱۷ ، کد پستی ۱۳۱۴۷ .

بنام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

سخن آغاز

چند سده است که چند نوحاسته^۱ بی بنیاد پنجه بر روی جهان نهاده‌اند و همه چیز را از آن خویش می‌دانند و هر چیز بی ریشه و بنیاد را که در مرز-هایشان پدید می‌آید باستم و بزور جنگ افرار به دیگر کشورهای جهان می‌براکند و برپایه^۲ گمان تازه^۳ خویش، خود را جهان نخست و کشورهای دیرپای کهنسال را جهان سوم می‌خوانند... و در این رهگذر زبان خویش را نیز به‌مراه کالاهای تباهی پذیر به همه مرزهای جهان گسیل می‌دارند و به فرهنگ و زبان مردمان سرزمین‌های کهن یورش می‌برند و باواژگونه‌نویسی و واژگونه پراکنی در آن کشورها چنان آشوب و درهم ریختگی اندیشه پدید می‌آورند که آنان خود، فرزندان خویش را به خواندن و آموختن زبانهای تازه خیز زورگویان فراخوانند و فرزاندگی را درسخن گفتن به آن زبانها (که خود بیش از زبانهای کهن نیازمند واژه برای رساندن و نمایاندن اندیشه هستند) بدانند! و در آموزش و گسترش آن چندان بکوشند و تا بدانجا پیش روند که زبان بیگانه را برتر و بالاتر و گسترده‌تر از دریای ژرف و پودامنه و گسترده^۴ زبانهای کهن خود بدانند!

نمونه^۵ آشکار چنین درد جانکاهی، کشور برادر و همیشه و کهن هندوستان است که با آنهمه زبانهای گسترده^۶ گوناگون و با داشتن زبان سانسکریت (که همچون اوستا و پارسی باستان پودامنه‌ترین و گویاترین زبان

های جهان است) و با دربار درهم آویز فرهنگ و هنرش چشم جهانیان را خیره کرده است و کهن‌ترین دفتر جهان را هنوز با خود نگهداشته است، روز بروز در فراموش کردن خویش و بکار بردن زبان انگلیسی پیش‌تر می‌رود، تا بدانجا که نخست وزیر آن کشور کهنسال فرهنگ پرور با مردمان کشورش بزبان انگلیسی سخن بگوید!! (۱)

نمونه‌ای دیگر از این گسترش خواهی یک جانبه در کشورهای زیربوش اتحاد جماهیر شوروی روی می‌دهد که ناچار شده‌اند که خط خویش را به خط روسی (که برای زبان فارسی آمیخته به عربی نارساست) دگرگون کنند، و از این راه نرم نرم واژه‌های روسی به زبانهایشان می‌آمیزد تا آرام آرام زبان روسی را جایگزین آن زبانها کند! (۲)

از آن زمان که دانش ایرانیان و شرقیان بیابری جنگ‌های ملیسی روی بسوی اروپا نهاد و آنان بجه ترجمه و آموزش دفترهای ایرانی پرداختند، زمانی نمی‌گذرد، زیرا برای کشوری چون ایران که ۴۲۰۰ سال پیش دستگاه پالایش آب داشته است و "قانون ظروف مرتبط" را دست کم چهل‌سده پیش از لاپلاس می‌شناخته‌اند (۳) ... و ۷۰۰ سال پیش از گالیله شکست نسور و گذشت آنرا از شیشه برجسته و گرد آمدن پرتوهای آنرا در کانون یا یکدیگر در میان می‌گذاشته‌اند (۴) و چهار هزار سال پیش از اروپائیان "خرپا" در ساختمانهای خویش بکار می‌برده‌اند (۵) و یک‌هزار و هفتصد سال پیش از آنان با کاید پرواز کرده‌اند ... (۶) پنج یا شش سده پیش زمان درازی نیست، اما در سه یا چهار سده پیش آنان فرستادگان بسیار که برای رهروی در ایران و شناخت بیشتر این کشور کهنسال که مهد دانش و فرهنگ بود گسیل کردند تا بدانند که زادگاه این گروه دانشمند و مهد پرورش دانش، خود چگونه است و کجا است و چنان می‌توان از آن بهره برگرفت.

هنگامیکه این آگاهی‌ها بدست آمد اروپا دارای دانشگاهها و کانون-های پژوهشی و کتابخانه‌های بزرگ شده بود، پس گاه آن رسید که ایرانیان، فرزندان خویش را برای دانش‌آموزی بدان مرز بفرستند، و چون این دانشجویان با دانش غربی روبرو می‌شدند چاره‌ای جز آموختن واژه‌ها و

اصطلاحات آنان ندیدند. و بدینسان یورش واژه‌های اروپایی به ایران آغاز شد، و روز بروز گسترش یافت، تا آنجا که بیش از بیستم ۱۳۵۷ بیماری سخن گفتن به انگلیسی در ایران نیز راه خویش را می‌گشود چنانکه مادران و پدران ایرانی کوشش داشتند کودکانشان را به کودکانی بسیارند که آموزگار آمریکایی داشته باشد و پیراهنی ببوشند که روی آن به انگلیسی نوشته شده باشد، و آواز انگلیسی بخوانند و سیگار بگری آمریکایی بکشند... و سخنرانان گاهگاه در سخنرانی‌هایشان بگویند که فلان واژه در فارسی برابری ندارد. دانش آموزیگانه ایرانی همینکه از مرز دبستان می‌گذشت شیمی را می-

بایستی بزبان بیگانه بیاموزد، فرمول‌های فیزیک نیز اینچنین است، جبر و مثلثات و لگاریتم را پدیده‌های اروپایی بشمار آورد، و در زمینه اختراعات و اکتشافات مات زده کوششهای اروپائیان گردد و نویسندگان ناگاه کتابهای درسی یکبارهم در دفترهایشان ننوشتند که جبر از ایران به اروپا رفت، مثلثات را یک ایرانی پدید آورد با پیشنهادهایی که خوارزمی ایرانی کرد، لگاریتم در جهان پدید آمد. نام شیمی از کیمیای ایرانی گرفته شده است، از میکروب تپاه کننده پیکر در اوستا یاد شده است و ایرانیان ۲۵۰۰ سال پیش آب را در سرزمین‌های ناشناخته می‌جوشانیدند و آنگاه می‌خوردند، و برای پیشگیری از گندیدن خوراکی‌ها بدان نمک می‌زده‌اند، و نام فارسی میکروب "گند" است و گندزدایی شیوه‌ای آشنا برای کشتن میکروب بوده است. بجای نام‌آوران بلندپایه ایرانی چون جاماسب، بزرگمهر، خیام، ابن سینا، ابوریحان، ابوالوفا، خوارزمی، ابن فقیه، نامهای ماریت، گیلو ساک، آت وود، ارنست میدس، پاستور را خواند، چنین آموخت که هر چه داریم از غرب است و جهانیان وامدار و برده اروپائیان (و امروز آمریکائیان) اند و راه‌هایی از درد بیچارگی به فرمان آنان کوش دوختن است و دانش و زبان آنان را آموختن است.

بی‌آمد گفتار ما نباید آن باشد که ایرانیان می‌بایستی همه کوششهای اروپائیان را نادیده بگیرند و در هیچ زمینه پژوهشهای آنانرا نپذیرند و هیچیک از آن مردان و زنان نیک‌اندیش را که برای جهانیان شب و روز آرام

نداشتند دانشمند و پژوهشگر ندانند!

نه! اما باید بدانند که بهر ایرانیان در پیدایی پدیده‌های دانش چیست و زبان فارسی را تا چه اندازه یارای بازگویی و بازنمایی زمینه‌های گونه‌گون دانش پس ایرانیان^ک مثلثات را به جهانیان پیشکش کردند می‌بایستی که بجای سینوس و کسینوس واژه‌ای نیز بفارسی دری بوده باشد. پس بد نیست که بدانیم سینوس در فارسی گریو است و کسینوس سایه. تانزانت گریو تمام و کتانزانت سایه^(۷) و آنانکه مثلثات خوانده‌اند درمی‌یابند که اگر یکبار به دانش آموزی بگویند که کسینوس سایه^۷ و تر است هیچگاه آنرا فراموش نمی‌کند زیرا که برآستی چون سایه^۷ و تر یا سایه^۷ شعاع دایره بر زمین افناده است و سایه^۷ تمام را نیز به همان آسانی درمی‌یابد. چنانکه برای سینوس نیز سخن گفتن از گریو و گریبان بسی ساده و آسان و راهنما است.

در این زمان و درآینده نویسندگان کتابهای درسی می‌بایستی با پژوهش و فرورفتن در دریای فرهنگ ایران جای بجای از کارهای ایرانیان پیشین یادکنند^(۸) و در هر زمینه بهر ایرانیان را در پیشبرد دانش جهانی کوشزد نمایند...

ماشین در جهان باستان پیشینه‌ای دور دارد (که در همین دفتر به ریشه^۷ فارسی آن برخواهید خورد) و در ایران^۷ بهره‌وری از توان (انرژی) آب و باد و نیروی کشش زمین = ماشینهای گونه‌گون ساخته شده است و پیشرفته ترین ماشینها آن بود که در آن گردش بکنواخت به گردشی که کوبه می‌زد، دگرگون شده بود و نام این ماشین دنگ بود که دنگ آبی^۷ آن برای کوبیدن خرمن برنج و گندم بکار می‌رفت. دیگر از ماشینهای پیشرفته ساعت‌های بزرگ روزشمار و ماه‌شمار و سال شمار بود که گردش اختران دوازده گانه و ماه و آفتاب نیز در آن گنجانیده شده بود^(۹) و در برخی از این ساعتها که همگی به نیروی کشش زمین و نیروی آب کار می‌کردند در هر ساعتی چراغی خاموش می‌شد و جنبش‌ها و کششهای بیشمار در آن بکار گرفته شده بود که برخی تا به یکصد و پنجاه لنگر نیز می‌رسید.^(۱۰)

بدین روی هنگامیکه ماشین اروپایی که به نیروی نفت کار می‌کند به ایران آمد کارگر ایرانی از روی دستگاههایی که پیش از آن در ماشین های ایرانی دیده بود برای اندامهای گونه‌گون آن نامهای ایرانی بکار برد چون بالشتک، دنده، چرخ دنده، چرخ، رکاب، دسته، کاسه‌نمد، میل لنگ، فنر، کمک فنر، تویی، رویی، پیل، پروانه، تسمه‌پروانه، چلاکک... و برای اندامهایی که در ماشینهای ایرانی همانند نداشت نامهایی ایرانی برگزید چون فرمان، چهاردنده‌ای، پنج دنده، پنج شکن، دنده جلو، فنر لوله‌ای فنر شمش... و اگر برای گزینش واژه تازه درمی‌ماند، درماندگیش تا بدانجا نبود که یکباره واژه اروپایی را بپذیرد، که نیمی از آنها بفارسی گفت: به سیلندر، سرسیلندر، پوسته کارت، دسته موتور، پمپ باد، پمپ روغن، دنده استارت، سوپاپ دود... (۱۱)

و بدینسان کارگر ایرانی شایستگی خویش را در برخورد با واژه‌های اروپایی و گزینش واژه‌های برابر به فرهنگستانها و استادان زبان آن دوران نشان داد!

اینجا جای دارد که سخنی را که چند بار در گفتارهای خویش از پروفسور هارولد والتر بیلی رئیس انجمن واژه شناسی انگلستان آورده‌ام باز گویم:

"زبانهای هند و اروپایی که در طی قرون مختلف، از چین (زبان ایرانی در دوره مفلان حتی در یکن هم بوسیله آنان گفتگو می‌شد) تا جزایر ایرلند بدانها تکلم می‌کردند بنا براین یک دانشجوی انگلیسی هم که بخواهد زبان مادری خود را نیک تحصیل کند، باید از کتیبه‌های فارسی باستان اطلاعاتی بدست آورد" (۱۲)

زبان فارسی دری پر دامنه‌ترین، ژرف‌ترین، ساده‌ترین، زیباترین زبانهای جهان است که فرزندان این مرز و بوم در درازنای سده‌ها و هزاره‌ها زیباترین گفتارها و والاترین اندیشه‌های مردمی را در کالبد جاودیسی

... پس بیاسه و خوش اهنک و ریشه دار آن به جهانیان پیشکش کرده
اند و هیچ زبان را در جهان یارای برابری و هماهنگی با آن نیست و چند
برابر زبانهای نوپائی چون انگلیسی و فرانسه توان باز نمودن رموز از اندیشه
ها و اندریافتهای مردمان را دارد و در زمینه دانش ها نیز برخوردار از
گستردهترین گروه واژهها است و هیچ نیازی به زبانهای دیگر ندارد (۱۳) و
برای پدیدههای تازه، جهان دانش نیز می تواند با برخوردار از ریشه های
کهن خویش زیباترین واژههای ساده یا آمیخته را به پژوهندگان پیشکش کند
و از اندیشه ایرانیان دور باد اگر پس از این نیز بخواهند چشم به دست و
دهان بیگانگان بدوزند و واژههای آنانرا که برخی نیز نابجا و نادرخوراست
(۱۴) به وام ستانند و خویش را، و فرهنگ و زبان بردامند، خود را که چشم
جهانیان بدان دوخته شده است به فراموشی سپارند، و یادگار نیاکان خردمند
را خرد پندارند و دم به دم و روز بروز در آلودن زبان خود پیش بروند...
آزمایش تلخ هندوستان برای ما بسنده است! روانشاد دهخدا دو هزار هزار
برگه برای کار بزرگ خویش گود کرد که اگر از این همه نیمی از آن نامها باشد
نیمه، دیگر واژهها را در برمی گیرد، و این انبوه واژهها ده برابر واژههای
انگلیسی در یکصد سال پیش و پنج برابر واژههای کنونی آن است. تازه در
"لغت نامه" همه واژهها در گویش های گونهگون این مرز بی مرز نیامده است.
در زبانهای سنگسری و سمنانی از آمیختن هشت رنگ تن بز و چهارگونه گوش
این جانور و شش رنگ چهره آن و چگونگی شاخها و نرینه و مادینه بر هشت
رنگ گوسفند برسد گوشت گوش و رنگ چهره و شاخ گوسفند پانصد و هفتاد و شش
نام برای شناختن گوسفند و همین اندازه برای بز پدید می آید. که بر روی
هم یکهزار و یکصد و پنجاه و دو نام می شود! باز آنکه در گروه گوسفندان تنها
یکصد و هجده گونه از این گونهها پدید می آید و در میان بزبان دویست و
سیزده گونه! (۱۵)

شگفت بنگرید... یک شبان سنگسری ۸۲۱ نام افزون بردادهای جهان
برای گوسفندان دارد!!!

آیندگان، آن ایرانی را که بر سر گنج نشسته در بزرگی از دیگران کند.

خردمند نخواهند شمرد! بس است، برپای خیزیم و خویش را از بندها و تنگناهای وام‌خواهی و کپتري و نیازمندی رها سازیم و اندیشهء خویش را از پلیدی‌ها بی‌پلاقیم و زبان خویش را از واژه‌های دیگران بیبرائیم، که راسته ترین زبان های جهان را از کام و دهان مادران خویش آموخته‌ایم و دیگران نیازمند ما هستند.

بازگردیم به سخنی که گفته شد: آموختن زبانهای بیگانه برای خواندن دفترهای آنان و برخورداری از دانش دانشمندان مرزهای دیگر، کاری است شایسته و بایسته و آنرا نباید با آموختن زبان فارسی دری به واژه‌های بیگانه یکی دانست.

در بارهٔ این دفتر باید گفت که نویسنده، پاکنها دوست کوشش و پژوهندهٔ دکتر محمد علی سجاده که با همهٔ گرفتاریهایش در دانشکدهٔ پزشکی، نیاز امروز ایران را در دانستن و شناختن خویش باز یافته روی به فره‌سنگ و نویسندگی آورده و گفتارهای فراوان نوشته و پژوهش های فراوان کرده است از آغاز سال ۱۳۶۲ به بنیاد نیشابور پیوست و این دفتر گرامی یکی از کارهای ایشان است و بدان روی که در هر سطر آن واژه‌های بیگانه هست تنها یکسال حروفچینی آن به دراز کشید و با آنکه بخشهایی از آن را باران بنیاد، از نادرستی‌های چاپی پا آوردند باز در آن نادرستی‌هایی بچشم می‌خورد، اما بازماندن آن از جانب بنیاد نیشابور حیرت‌انگیز است. می‌خواهد بگویم که اگر می‌خورد برخی نادرستی‌ها را درخواهد یافت این دفتر را پیشکش براسان می‌کنیم و نویسنده خود آگاه است که این همهٔ واژه‌های ایرانی در زبان انگلیسی نیست و می‌بایستی که چند گروه کارآمودهٔ زبان‌برسراینکار بگذارد تا بهره‌ای را که انگلیسیان از زبان ایرانیان و دانش ایرانیان برده‌اند، به جوانان بیدار دل ایرانی و به همهٔ جهانیان بنمایند.

فریدون جنیدی

بنیاد نیشابور

شهریورماه ۱۳۶۴

۱- در پیشگفتار چاپ دوم "خودآموز سانسکریت" نوشته محمد علی داعی الاسلام یادآور شدیم که گانی جی رهبر بزرگ هندوستان به هندیان اندرز کرده بود که سانسکریت و فارسی را فرا بگیرند و هندوستان که روزی بزرگترین جایگاه گسترش زبان فارسی بود و تا ۵۰ سال پیش نام پادشاهان انگلستان را نیز به فارسی بر سکه‌های هندی می‌زدند... با یورش گسترش خواه انگلیس، هنوز یاران نزدیک گاندی بر آن کشور فرمان می‌رانند که انگلیسی جای فارسی را گرفته است و نخست‌وزیر (ایندیرا گاندی) با مردمش به انگلیسی سخن می‌راند.

امروزه شنیده می‌شود که زن و شوی در خانه با خود و فرزندان، به انگلیسی هندی سخن می‌گویند و اگر از آنان بپرسی که چرا چنین می‌کنند، پاسخ این است که در آینده برای کارایی و اندر شدن به دیوانه‌های کشوری دانستن انگلیسی برای فرزندان بهتر است.

۲- شوروی خط گرجستان و ارمنستان را برسمیت شناخت و اجازه داد که کشورهای اروپایی نیز خط لاتین خویش را نگهدارند اما دیگر کشور های قفقاز، و تاشکند و سمرقند و بخارا و سغد و خوارزم را رادار به دگرگون کردن خط کرد و چون در خط روسی ه، یا ح را بگونه "خ" می‌نویسند، پس شکنندی و بخارایی فرزندان ابوریحان و رودکی و ابن سینا می‌بایستی که شاخه راشاخ بنویسند و روح را روخ و هر را خر! و بدینسان رهروان راه مارکس و انگلس آشکارا از فرمان آن دو سر می‌پیچند و می‌کوشند تا زبان گسترده و...

شیرین فارسی را که بافته اینگلس تنها زبانی است که می‌تواند جهانی شود (نگاه کنید به مجموعه آثار مارکس - اینگلس، ترجمه فارسی، جلد ۲۸، رویه های ۲۶۱-۲۶۰ و نیز کارنامه این سینا رویه ۱۱۱) در زیر تیغ خطر روسی و زبان روسی، در زادگاه رودگی از میان بردارند!

۳- تاریخ مهندسی در ایران - دکتر مهدی فرشاد، از انتشارات بنیاد نیشابور، رویه های ۱۳۱-۲۲۸

۴- کارنامه ابن سینا، فریدون جنیدی، رویه های ۸۵-۸۲

۵- تاریخ مهندسی در ایران رویه های ۱۴۲

۶- همان دفتر رویه ۱۰۹

۷- ایرانیان این واژه‌ها را به زبان تازی چنین ترجمه کردند، قابل، جیب، ظل تمام، جیب تمام.

۸- خوشبختانه این کار در کتابهای دومی آغاز شده است، اما بسنده نیست و می‌باید که با پژوهشی گسترده‌تر در آینده دنبال شود.

۹- سهم ایران در تمدن جهان، نیز نوری رویه ۳۹۸

۱۰- تاریخ یزد، جعفری رویه ۱۰۵ و ۱۰۳ و نیز تاریخ مهندسی در-

ایران ۱۲۴.

۱۱- نگاه کنید به فرهنگ پیشه و هنر، دکتر سیروس ابرهیم زاده،

بویژه پیشگفتار آن.

۱۲- میراث ایرار نوشته سیزده تن خاورشناس، رویه ۲۸۷ از ترجمه

فارسی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴

۱۳- یکی از واژه‌ها که بگمان همگان نمی‌توان آن را بفارسی ترجمه کرد

واژه "سیستم" است. در گفتار زبان فارسی و نیروی یگانگی بخش آن، در

کتابها (زیر چاپ) نوشته ام و در اینجا به سخنی کوتاه بسنده می‌کنم. در

باره سیستم چنین می‌بیند: سیستم عبارت از مجموعه‌ای است که کل اجزا

آن از یک قانون معین، از رسیدن به یک هدف معین اطاعت می‌کند. برابر

فارسی این واژه را همدا پیشنهاد کرده‌ام. اگر هم‌گانه، همه‌گسائی که از

یک گاسه می‌خورند ، و همراه همه آنانند که در یک راه می‌روند ، همداد نیز همه چیزها و کسانى را که از یک داد (قانون) پیروی می‌کنند تا به یک هدف برسند ، در بر می‌گیرد !

سعید وزیرى در روستای مهاباد اردستان واژه همداد را نیز شنیده است .

۱۴- در همین دفتر به نمونه‌ای چند از این گونه واژه‌های اروپایی بر خواهید خورد .

۱۵- نگاه کنید به فرهنگ سمنانی ، سرخه‌ای ، لاسگردی ، سنگسری ، شه‌میرزادی ، دگتر منوچهر ستوده ، رویه‌های یازده ، دوازده و سیزده از پیشگفتار .



و من آیاته خلق السموات والارض و اختلاف
 السننكم و النوائكم ان في ذلك لايات للعالمين"
 و در آیات او خلق آسمان و زمین و اختلاف
 زبانها و رنگهای شماس است بدرستی که در آن
 نشانه‌هایی برای دانشمندان وجود دارد"
 سوره روم - آیه ۲۲

سخن نویسنده :

زبان های فارسی و انگلیسی هر دو به دسته زبان های آراتی (ویا بد
 اصطلاح هندواروپائی) تعلق دارند. بهمین دلیل واژه‌های مشابه بسیار میان
 دو زبان دیده می شود. اما علاوه بر این واژه های پایه و همانند مثل مادر
 برادر - پدر کلمات بسیاری هم در دوره های بعدی تاریخ از زبان مردم ایران
 وارد زبان انگلیسی شده است بعضی از این واژه ها از زبان های اوستائی و
 پهلوی و فارسی باستان و بعضی واژه‌ها از زبانهای سومری و ایلامی و غیره
 و بعضی واژه ها از زبان ها و گویش های دیگر سرزمین ایران مثل آذری ،
 کردی ، بلوچی به زبان انگلیسی راه یافته اند که این کتاب نموداری از این
 واژه‌ها است. برای تکمیل مطلب بطوری هم به نفوذ ریشه های ایرانی در
 زبان های دیگر مردم انگلستان (ولش ، اسکاتلندی ، ایرلندی و غیره)
 اختصاص داده شده است. در این کتاب نموداری از تاثیرات زبانهای ایرانی
 بر دیگر زبان های اروپائی از جمله زبان های یونانی ، لاتین ، فرانسه و آلمانی
 که در انگلیسی تاثیر بسیار نهادند اند ارائه شده است .

امید آنکه این گام نخستین ، وسیله مناسبی برای شناخت عمق فرهنگ
 ایران و تاثیرات ژرف آن بر فرهنگ دیگر ملل جهان باشد. اگرچه این کتاب
 نمی تواند از لغزش بدور باشد ، امید آنست که در چاپ های بعدی لغزش ها
 کمتر شده با استفاده از نظر خوانندگان گرامی و آگاهان وبه محتوی کتاب
 افزوده شود .

بحثی بیرامون ریشه های مشترک ایرانی و انگلیسی
 محققانی که درباره تاریخ اقوام هند و اروپایی بحث کرده اند معتقدند
 این اقوام پس از اشعاب به دسته های متعدد در سرزمین های مختلف سکنی
 گزیده اند از جمله بخش هایی از این اقوام در ایران و هندوستان و بخش
 های بزرگی در قسمت های مختلف اروپا مثل ایرلند ، انگلیستان ، آلمان ،
 فرانسه و ایتالیا متمرکز شده اند اصطلاح هند و اروپایی که توسط نویسندگان
 غربی بکار رفته احتمالاً " خالی از غرض نیست و شاید در آن نوعی چسباندن
 منافع استعماری انگلیس به خطه زرخیز هندوستان مطرح بوده باشد. از آنجا
 که واژه زبان های آریایی رساتر و اصلی تر و مناسب تر است و علاوه بر هندو
 اروپا مناطق وسیعی مانند ایران و آسیای صغیر و افغانستان را در بر می گیرد،
 در این کتاب غالباً از این واژه استفاده می شود .

ناگفته نماند واژه " آریایی " قدمت چندین هزار ساله دارد و ریشه
 آنرا می توان در اوستا در زبان هندوان ، در نام ایران ، و نام مردم ایرانند
 یافت ، کاربرد این واژه به هیچ عنوان برای مقاصد همبر علمی نژادپرستانه
 و یا ملی گرائی افراطی و کاذب درست نمی باشد و اصولاً " شیوه " حضرت زرتشت
 و اوستای مقدس در ستایش فرورهای کشورها و همه افراد با تقوی و خدا
 پرست و نیز سنت های تاریخی ملت ایران چه پیش از اسلام و چه در دوران
 شکوفایی تمدن اسلامی با نژاد پرستی و برده سازی ملل دیگر مخالف بوده
 است .

میان بسی از واژه‌های زبان‌های اروپایی با واژه‌های هندی و ایرانی شباهت وجود دارد با توجه به این شباهت‌ها به خوبی در می‌یابیم که این اقوام، روزگاری خاستگاه واحد داشته و سپس بپراکنده شده‌اند، نمونه‌ای از این یادگارهای نخستین بشرح زیر می‌باشند:

Mother انگلیسی Mathair زبان ولش مادر فارسی ما تائیرسا سکریت و هندی Mer فرانسه، Mutter آلمانی، مات روسی، مارارمنی، مارلری و کردی، گیلکی، خراسانی، Mata ایتالیایی اسپانیولی و پرتغالی Mata اوستایی، ماس بلوچی، Father انگلیسی، پدر فارسی، Padre اسپانولی ایتالیایی، Pere فرانسه و گیلکی، Pitha اوستایی، Vater آلمانی ... Bruder انگلیسی، فرانسه، فلانندی، تو فارسی، تی گیلکی.

دو ارمنی، تی روسی، Tanai تانای (مغول - مال تو) . (۱)

Mine انگلیسی، من اوستایی، فارسی باستان، منی بلوچی، می گیلکی، مینم ترکی آذری، میننگ ازبکی، Minun فلانندی و استنی، Mon مغولی، Mrou موی روسی، Mon فرانسه، Meine ماینه آلمانی
New انگلیسی، نو فارسی، نورارمنی، Neue آلمانی، Nouveau فرانسه.

۱- بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید تعدادی از این ریشه‌های اولیه در زبان‌های اورالی آلتایی و فینوگوریک، مثل ترکی، مغولی، استونی، فلانندی دیده می‌شود. در فصل آینده نمونه‌های دیگری از ریشه‌های مشترک این زبان‌ها با فارسی و انگلیسی و دیگر زبان‌های آریایی را می‌بینیم. این ریشه‌ها فوق‌العاده زیاد هستند و نشان می‌دهند که تقسیم بندی مصنوعی زبان شناسان اروپایی که گروه زبان‌های تورانی و شاخه‌های آنرا از زبان‌های هند و اروپایی مجزا کرده‌اند، صحیح نیست. این زبان‌ها دنباله همان زبان‌های تورانی‌اند که در کتاب اوستا بدانها اشاره شده است. همانطور که نام‌های منیژه، افراسیاب، پیران، توران، سهراب، برزو، همه نام‌های آریایی (ایرانی تورانی) بشمار می‌روند. غالب واژه‌های تورانی در سرزمین ایران زاده شده و پرورش یافته‌اند و بعضی از این واژه‌ها و سنت، از طریق

نوزی روسی ، بنی ترکی آذری و دیگر زبانهای ترکی (پسنگه - گد - مین
ریشه دستند (۲)

Door دور انگلیسی Tur آلمانی ، در فارسی Dbeppb روسی (دور)
Name انگلیسی ، Nome فرانسه ، نام فارسی ، Nimen فنلاندی me نام
آلمانی ، ناو کردی ، نامه Nama فارسی باستان ،

Ke انگلیسی ، ههوا اوستایی ، او فارسی ، اوون ترکی آذری و استان
ازبکی ، فنلاندی ، اوی پهلوی ، اوه avi فارسی باستان ، و گویش
کاشان

Come انگلیسی ، Kommen آلمانی (ریشه های شبیه در سوئدی ، ی ،
دانمارکی) کال آرمی ، کل تورانی ، کام اوستایی (به شباهت کام
توجه فرمائید) - کامیڈن پارسی - کام پهلوی ...

Ghin انگلیسی ، چانه فارسی ، چنه ترکی آذری و خراسانی ، Ce
ترکی استانبولی (ریشه های تورانی) .

برای توجه بیشتر ، تعداد دیگری ریشه های مشترک ایرانی و انگ
بررسی می کنیم .

مجاورت و مهاجرت به زبانهای دیگر راه یافته . در مغولی و استی و فنلا
مجاری دیده می شود . در حقیقت زبان های یاد شده محصول مهاج
تورانیان و آمیزش آنان با اقوام ساکن آن سرزمین ها بوده است . در
مهاجرتها تغییراتی در ساختار زبان های تورانی حاصل شده و بعضی
های دستر زبان ترکی از آن رواست (به همین دلیل) ترکی آذری که از
زبان تورانی و پهلوی آذربایجان بوجود آمده از دوسو تبار آریایی و
محتوای فرهنگی خالص ایرانی دارد .

۲- این واژه ها چون واژه های اولین و ابتدایی زبان هستند نم
متصور شد که از فارسی به انگلیسی با زبان های دیگر راه یافته اند و
درست است که این واژه ها را همپایه و هم ریشه بدانیم . در حقیقت
واژه ها از بکار یگانگی اقوام آریایی (هند و اروپایی) یاد می کنند .
که دستور آوینی زبان های آریایی در قرن های بعد تکوین یافته می توان

Bad ، در فارسی بد ، Key انگلیسی ، فرانسه Cle ، خراسانی کلبی ،
 فارسی کلید ، Mousa فارسی موش ، star ، فارسی ستاره ، Body
 فارسی بدن ، Daughter فارسی دختر ، آلمانی Tochter .
 Moon انگلیسی ، ماه فارسی ، مانگه اوستایی - کردی ، Now
 انگلیسی ، فارسی اکنون و در فارسی کهن انون (بره‌های قاطع) . wind
 انگلیسی وات اوستایی ، باد فارسی Lip انگلیسی ، لب فارسی .

هرچه زمان به جلوتر می رود تفاوت ها در ساختار فارسی و انگلیسی
 بیشتر می شود ، و واژه‌های جدیدی را پدید می آورد که دیگر شباهت ندارند
 اما شاید اگر تحقیق و غور عمیقی درباره آنها صورت گیرد باز هم بتوان
 ریشه مشترک بعضی از آنها را یافت . بعضی از واژه‌های کهن و مشترک انگلیسی
 و فارسی در حقیقت واژه پایه نیستند و از راه فلات ایران به انگلستان راه
 یافته اند ، نمودار این واژه‌ها کلمات خدا و دیو هستند .

آریانیان پس از مهاجرت به خدایان متعددی معتقد بودند بعضی خدا
 را تحت عنوان دیو daeva پرستش می نمودند و گروه دیگری این نام را
 تخلیه کرده کلمه خدا یا اسامی دیگر بکار می بردند . در اوستا Daveyasna
 دیو یسنا دزبرابر Mazda Yasna خدا پرست بکار می رود . در زبان های هندی
 و سانسکریت دیو و دو موجودات مقدسی هستند بعضی در فلات ایران دیو

نمود که چرا دستور زبان های فارسی - انگلیسی - توراتی و اوستایی ، در عین
 شباهت های بسیار تفاوت های بسیار هم دارند .

۳- لازم به تذکر است که بعضی از این ریشه ها بعرض در بعضی زبان -
 های هندواروپایی محو شده اند و ریشه های دیگری بجای آنها دیده می شود
 که پژوهش بیشتر هم ریشگی آنها را باز می نماید . لذا پدر و مادر در بعضی
 گویش های ایران Ada تالشی (پدر) ، بابا و ننه دیده می شود که در گویش
 های تورانی ، دد ، بابا ، آنا ، ننه ، آتا است و بعضی این کلمات همانند
 پدر بزرگ مادربزرگ در انگلیسی ، ژرمنی و بعضی زبانهای
 اروپایی وجود دارد .

نمودار زشتی و شرارت بوده است (تو مردیو را مردم بند شناس فردوسی)
 و جز در شمال ایران که مدت‌ها مردم دیویسنا بوده اند در سایر مناطق از دیو
 بد پلیدی یاد می‌شد. در زبان های لاتین اروپا از جمله فرانسه، ایتالیایی،
 پرتغالی، ایتالان لاتین و نیز در زبان یونانی واژه Dio یعنی خدا بکار می
 رود. بعکس در انگلیسی God که شواهد لفظی با خدا دارد (تبدیل خ به گ)
 به مفهوم خداست و کلماتی که با TDev آغاز می‌شوند مثل Devil نشانده
 بدی و شرارت هستند.

شاید نظر فریدون جنیدی در مورد اینکه Saxon ها دنباله سگزیان
 هستند (۴). صحیح باشد که بایستی آنرا موکول به اسناد دقیقتر تاریخی
 کرد. در حال در اینجا می‌بینیم که انگلیسیان همانند ساکنان فلات ایران
 و از جمله آن سگزیان دیوها را نکوهیده و از خدا بصورت God یاد کرده‌اند.
 این نکته قابل قوی است که اجداد انگلیسیان در زمان مهاجرت از آسیا
 تحت تأثیر فرهنگ فلات ایران بوده و این واژه‌ها از آن سوی دنیا به مجمع
 الجزایر رفته باشد. به بعضی از این واژه ها می‌نگریم.

God خدا (واژه خدا علاوه بر فارسی در بسیاری گویش های ایران مثل
 بلوچی، کردی و در زبان بسیاری از ملل بکار می‌رود چنانچه در زبان های

... آن گروه از آریائی‌ها که به منتهی‌الیه خاک اروپا مهاجرت
 کردند نیز همین نام را بر روی سرزمین خود نهادند و "ایرلند" یعنی سر-
 زمین آریائی‌ها (ایران) ... و گرچه برخی دیگر از اقوام آریایی نیز هنوز
 نام اصلی خود را حفظ کرده‌اند، مثل "گل" هم‌گه از نژاد "گیل" اند و شباهت
 هایی زیاده بین بیان و گفتار و نیز آداب و رسوم روستائیانشان با گیلانیان
 گواه بر این مدعا است. و از گجا که "پرتغال" صورت دیگری از پرتوی یا
 پارتی نیاند، همچون "اسپانی" و سپاهان (اصفهان) و جرمن و گرمانج -
 گردستان، "سکسون" و سگزی... و این مطلبی است که بایستی عمرها بر روی
 تحقیق آن صرف گردد "از اصفهان ۱۷۶ و ۱۷۷ زندگی و مهاجرت نژاد
 آریا، بر اساس روایات ایرانی، فریدون جنیدی. بنیاد نیشابور ۱۳۵۹.

ونشی ، بنگالی ، براهوئی ، داخینی ، کاجی ، کشمیری ، خاسی ، گاندا ،
 هیندگو ، پنجابی ، شینا ، گودرزی ، سندی ، تامیل ، ترکی اویغور ، ترکی تازان
 ترکی قرقیزی شرقی (به صورت خدا دین) - ترکی قرقیزی غربی (خدای)
 ازبکی - اردو - ترکی باسقیر ، استی گونه Khutzai به کار می رود که
 ریشه همه آنها ایرانی است .

God که از همان ماخذ بوجود آمده علاوه بر انگلیسی با کمی تفاوت
 لغوی در آلمانی ، هلندی ، دانمارکی ، زبان مردم اسپنند ، کروئیلند
 مستقیما و در زبان های متعدد دیگر دنیا از راه انگلیسی راه یافته مثلا در
 زبان اسکیمو بخاطر نفوذ فرهنگ انگلیس بکار می رود . در زبان مردم جزایر
 اقیانوسیه و بسیاری زبان های آفریقائی هم راه یافته است .

در اینجا به وضوح یک ریشه ایرانی را می یابیم که در سراسر دنیا از
 قطب شمال گرفته تا قطب جنوب و از اقیانوسیه گرفته تا قاره امریکا پراکنده
 شده است . ریشه های مربوط به Divagate انحرافی Diva زن نامی
 آوازه خوان ، Devil شیطان Devilkin شیطان کوچک و احتمالا
 Divorce طلاق (که عملی پلیدست) همه از این ریشه دیو آمده اند .
 بنابراین به صرف اینکه بعضی واژه ها پایه و مشترک هستند
 نباید غفلت ورزیم و خیال کنیم این واژه ها از ابتدا در میان اجداد
 انگلیسیان متداول بوده است ، البته اصولا بیشتر واژه های پایه در میان دو
 زبان مشترکند ، و چنانچه خواهیم دید بعضی واژه های پایه انگلیسی در
 فارسی دیده نمی شود ولی در زبان های دیگر ایرانی مانند کردی ، لری ،
 گریگانی ، سمنانی ... مشاهده می شود ، که بررسی این هم ریشگی ها با
 برخی از گویش های محلی ایرانی در خور توجه است ، به عنوان مثال
 کلمه MARRIAGE انگلیسی به معنی ازدواج که در کردی ماره کردن یا مارن
 برین (عقد بستن) را گویند در فرانسه Mariage به معنی ازدواج کردن
 است .

Desire در انگلیسی خواستن و آرزو کردن در فرانسه Desirer به

مفهوم مشابه آمده است و در کردی نامزد را Desire دزیره گویند .

CAT انگلیسی بمعنی گربه که در کردی گرینگانی Ketek خوانده میشود
NO انگلیسی بمعنی نه (حرف نفی) که در فیروزکوه و مازندران بهمین گونه
خوانده میشود .

VOAT انگلیسی بمعنی قایق که در بختیاری به تنه در خان میان تپه شده
(ناو) گفته می شود . TOWEL انگلیسی بمعنی حوله که در گیلکی توال TOWEL
است و " نز " انگلیسی بمعنی بینی که سیزوار نوس است و

بعضی واژه ها از این زبان به زبان دیگر تفاوت مفهوم میابند
همانطور که آلو در فارسی به آلو و در اردو و گویش شیرازی به سیب زمینی
گفته می شود ، پنجره فارسی در زبان مالزی به زندان اطلاق می شود . کارد
اوستائی و مجاری (شمشیر) در فارسی به کارد آشپزخانه و نظایر آن اطلاق
می گردد .

آرزو و نامزد که در یک مایه و ردیف هستند از همین اصل " جابجا شدن
مفاهیم " سرچشمه می گیرد . در فصول آینده با توجه به این اصل ریشه های
زیادی را شناسائی می نمائیم .



یک نکته اساسی اینکه ریشه بسیاری کلمات انگلیسی با مراجعه به اوستا
و سانسکریت مشخص می شود مثلا " زبان شناسان عقیده دارند Daughter
انگلیسی و دختر فارسی هر دو از ریشه اوستائی دوغ دار و دوهی تراسانسکریت
به معنی " دوشنده شیر " آمده است زیرا در روزگاران کهن دختر خانواده
دوشیدن شیر را بعهده داشته است (نگاه کنید به خود آموز سانسکریت داعی
الاسلام و دیگر منابع معتبر) با توجه به این مطلب در می یابیم که ریشه
انگلیسی daughter همان دوغ فارسی و کلمه مشابه سانسکریت است که در روزگار
باستان مفهوم شیر را داشته است .

